**بسم الله الرحمن الرحیم**

**احکام روزه مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمت الله علیه**

زیر مجموعه : [احکام](http://www.bahjat.org/index.php/ahkam-2.html)

دسته: [رساله عملیّه](http://www.bahjat.org/index.php/ahkam-2/resaleh.html)

**روزه**  
    روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چيزهايی که روزه را باطل می‌کند و شرح آنها بعداً گفته می‌شود خودداری نمايد.  
**نيت روزه**  
« 46 » انسان می‌تواند در هرشب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نيت کند و همچنين جايز است که شب اول ماه، نيت روزه همه ماه را بنمايد، و احتياط به تجديد نيت در هر شب ترک نشود.  
« 47 » از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح هر وقت نيّت روزه فردا را بکند، اشکال ندارد.  
« 48 » لازم نيست انسان نيت روزه را از قلب بگذراند، يا به زبان جاری کند؛ مثلاً بگويد: «فردا را روزه می‌گيرم قُربةً اِلَی اللّه»، بلکه همين قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است.  
« 49 » وقت نيت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نيت کردن به مغرب وقت مانده باشد، و اگر تا اين وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نيت روزه مستحبی کند، روزه او صحيح است.  
« 50 » کسی که پيش از اذان صبح در غير روزه معين واجب، مثل روزه ماه مبارک رمضان، بدون نيت روزه خوابيده است، اگر پيش از ظهر بيدار شود و در حال اختيار نيت کند، روزه او صحيح است؛ چه روزه او واجب باشد چه مستحب، و اگر بعد از ظهر بيدار شود، نمی‌تواند نيت روزه واجب نمايد.  
« 51 » گر بخواهد غير روزه رمضان روزه واجب ديگری بگيرد، در صورتی که آنچه بر او واجب شده است انواع متعددی باشد، بنا بر اقوی بايد آن را معين نمايد، مثلاً نيت کند که روزه قضا يا روزه نذر می‌گيرم، ولی در ماه رمضان لازم نيست نيت کند که روزه ماه رمضان می‌گيرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است يا فراموش نمايد، و روزه ديگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می‌شود، مگر اينکه روزه برای ميت گرفته باشد که در اين صورت روزه ماه رمضان حساب نمی‌شود، و صحيح بودن آن مورد تأمل است، مگر اينکه مقصود او به دو قسمت جداگانه تقسيم شود: يکی روزه واجب و يکی هم برای ديگری بودنِ روزه، که در اين صورت بنا بر اظهر روزه ماه رمضان محسوب می‌شود.  
« 52 » هرگاه در ماه رمضان يا روزه واجب معين، نيت روزه را عمداً ترک نمايد تا صبح داخل شود، روزه آن روزش صحيح نيست و قضا بر او واجب است، ولی وجوب کفاره محل تأمل است.  
« 53 » گر بداند ماه رمضان است و عمداً نيت روزه غير رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می‌شود و نه روزه‌ای که قصد کرده است.  
« 54 » اگر مثلاً به نيت روز اول ماه روزه بگيرد، بعد بفهمد دوم يا سوم بوده، روزه او صحيح است.  
« 55 » سی که در سراسر روز بيهوش بوده در صورتی که روزه واجب معين باشد، روزه بر او واجب نيست، ولی اگر قبل از ظهر به هوش آيد، بنابر احتياط واجب بايد روزه آن روز را تمام کرده و قضای آن را نيز بگيرد و همين احتياط در مورد مخالف، اگر قبل از ظهر شيعه شود نيز جاری است.  
« 56 » اگر نداند يا فراموش کند که ماه رمضان است و پيش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، بايد فوراً نيت کند، وگرنه روزه او باطل می‌شود.   
« 57 » اگر بچه قبل از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، بايد روزه بگيرد؛ و اگر بعد از اذان و قبل از ظهر بالغ شود، اگر چيزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد احتياط واجب در اين است که بقيه آن روز را روزه بگيرد و بعداً قضای آن روز را نيز بگيرد، و همچنين است اگر شخصی که جنون دارد جنونش از بين برود. و اين احتياط درباره غيربالغی است که از اول صبح نيّت روزه نداشته است، ولی چون روزه بچه مميّز صحيح است ـ اگر چه بر او واجب نيست ـ اگر نيت روزه داشته باشد و در بين روز بالغ شود، روزه آن روز او صحيح است و قضا ندارد.  
  
« 58 » کسی که برای به‌جا آوردن روزه ميّتی اجير شده، اگر روزه مستحبی بگيرد، اشکال ندارد، ولی کسی که روزه قضا دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگيرد.

« 59 » اگر در ماه رمضان، پيش از ظهر، کافر مسلمان شود، بنا بر احتياط مستحب بايد نيت روزه کند و روزه را تمام نمايد.  
« 60 » اگر مريض در ماه رمضان، پيش از ظهر خوب شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، واجب بودن روزه و صحيح بودنش، خالی از وجه نيست.  
« 61 » روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است يا اول رمضان، واجب نيست روزه بگيرد، و اگر بخواهد روزه بگيرد، نمی‌تواند نيّت روزه رمضان کند بلکه بايد نيت روزه قضا و مانند آن بنمايد و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود، و در صورتی که قصد کند آنچه را که فعلاً خدا از او خواسته است انجام دهد و بعد معلوم شود رمضان بوده نيز کافی است.

« 62 » اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است يا اول رمضان، به نيت روزه قضا يا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگيرد و در بين روز بفهمد که ماه رمضان است، بايد نيت روزه رمضان کند.

**مبطلات روزه**

 نُه چيز روزه را باطل می‌کند :

١ـ خوردن و آشاميدن؛

٢ـ جماع؛

٣ـ استمناء (استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بيرون آيد)؛

۴ـ دروغ بستن به خدا و پيغمبر صلی‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و جانشينان پيغمبر و معصومين عليهم‌السلام؛

۵ـ رساندن غبار به حلق؛

۶ـ فرو بردن تمام سر در آب؛

٧ـ باقی ماندن بر جنابت و حيض و نفاس تا اذان صبح؛

٨ـ اماله کردن با چيزهای روان؛

٩ـ قی کردن.

و احکام اينها به ترتيب در مسائل بعدی ذکر می‌شود.

**خوردن و آشاميدن**

« 63 » اگر روزه‌دار عمداً چيزی بخورد يا بياشامد، روزه او باطل می‌شود؛ چه خوردن و آشاميدن آن چيز معمول باشد، مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شيره درخت؛ و چه کم باشد يا زياد.

« 64 » اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، بايد لقمه را از دهان بيرون آورد و چنانچه عمداٌ فرود برد روزه‌اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفّاره هم بر او واجب می‌شود.

« 65 » اگر روزه‌دار سهواً چيزی بخورد يا بياشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

« 66 »احتياط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند، بلکه اجتناب خالی از وجه نيست؛ ولی تزريق آمپولی که عضو را بی‌حس می‌کند يا به‌جهت ديگر استعمال می‌شود اشکال ندارد و اجتناب از آمپولی که معلوم نيست از قسم اول باشد يا نه، لازم نيست.

« 67 » اگر روزه‌دار چيزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.

« 68» کسی که می‌خواهد روزه بگيرد، لازم نيست پيش از اذان دندان‌هايش را خلال کند؛ ولی اگر بداند غذايی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود، بايد خلال کند و چنانچه خلال نکند و چيزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود و اگـر هم فرو نرود باز اخلال به نيّت کرده. ولی اگر نمی‌داند که غذا فرو خواهد رفت يا نه، مستحب است خلال کند و اگر هم اتفاقاً و سهواً فرو برد روزه باطل نيست.

« 69 » جواز فرو بردن اخلاط سر و سينه در صورتی که در غير حال روزه امری عادی باشد و به فضای دهان نرسيده باشد، خالی از وجه نيست و اگر به فضای دهان رسيد و آن را فرو برد بنابر احتياط واجب روزه را باطل می‌کند.

« 70 » اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بميرد، می‌تواند به اندازه‌ای که از مردن نجات پيدا کند آب بياشامد، ولی روزه او باطل می‌شود، امّا در ماه رمضان تا مغرب از ساير مفطرات اجتناب کند.

« 71 » جويدن غذا برای بچه يا پرنده و چشيدن غذا و مانند اينها که معمولاً به حلق نمی‌رسد، اگرچه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند و احتياط مستحب است که اين امور را در صورت عدم حاجت و ضرورت ترک کنند.

« 72 » انسان نمی‌تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که مشقت شديدی داشته، به‌طوری‌که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد، ولی اگر تا سال ديگر خوب شد بايد قضای آن را بگيرد.

**جماع**

« 73 » نزديکی روزه را باطل می‌کند، اگر چه فقط به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بيرون نيايد.

« 74 » اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بيرون نيايد، روزه باطل نمی‌شود. ولی اگر کسی که آلتش را بريده‌اند کمتر از ختنه‌گاه را داخل کند بطلان و عدم بطلان روزه‌اش، محل اشکال است.

« 75 » اگر فراموش کند که روزه است و نزديکی نمايد، يا او را به نزديکی مجبور نمايند، روزه او باطل نمی‌شود، ولی چنانچه در هنگام نزديکی يادش بيايد، يا ديگر مجبور نباشد، بايد فوراً از حال نزديکی خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.

**استمناء**

« 76 » اگر روزه‌دار استمناء کند، يعنی با خود کاری کند که منی از او بيرون آيد، روزه‌اش باطل می‌شود.

« 77 » اگر بی‌اختيار منی از او بيرون آيد، روزه‌اش باطل نيست، ولی اگر عمداً کاری کند که بی‌اختيار منی از او بيرون آيد روزه‌اش باطل می‌شود، در صورتی که بداند يا اطمينان داشته باشد که به‌سبب آن کار، منی بی‌اختيار خارج خواهد شد.

**دروغ بستن به خدا و پيغمبر صلی‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم**

« 78 » اگر روزه‌دار به گفتن يا به نوشتن يا به اشاره و مانند اينها به خدا و پيغمبر و جانشينان آن حضرت عليهم‌السلام عمداً نسبت دروغ بدهد، روزه او باطل است. و خالی از وجه نيست که دروغ بستن به پيغمبران و جانشينان آنها و حضرت زهرا، ملحق به دروغ بستن به خدا باشد و روزه را باطل کند، ولی اگر شک داشته باشد که سخنی کذب است يا نه، و به يکی از آنان نسبت دهد، بنا بر اقوی روزه‌اش باطل نمی‌شود.

**رساندن غُبار به حلق**

« 79 » رساندن غبار يا دود غليظ به حلق بنابر اظهر روزه را باطل می‌کند؛ چه غبار چيزی که خوردن آن حلال است مثل آرد، يا غبار چيزی که خوردن آن حرام باشد.

« 80 » عدم افساد روزه به‌وسيله غبار يا دود غير غليظ و غير جايگزين غذا و غير مقوّی خالی از وجه نيست، ولی احوط اجتناب است.

« 81 » اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، يا بی‌اختيار غبار و مانند آن به حلق برسد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

**فرو بردن سر در آب**

« 82 » اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه بقيه بدن از آب بيرون باشد، بنابر اقوی روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر تمام بدن را آب بگيرد و مقداری از سر بيرون باشد، روزه باطل نمی‌شود. و همچنين درحالی‌که مانع و حائل غليظی دور سر را فراگرفته و يا سر به چيزی آغشته شده که مانع از رسيدن آب به آن باشد، فرو بردن تمام سر در آب، بنا بر اظهر روزه را باطل نمی‌کند.

« 83 » اگر نصف سر را يک دفعه و نصف ديگر آن را دفعه ديگر در آب فرو برد بنا بر اظهر روزه‌اش باطل نمی‌شود.

« 84 » فرو بردن سر در آب مضاف، بنابر احوط روزه را باطل می‌کند.

« 85 » اگر روزه‌دار بی‌اختيار در آب بيفتد و تمام سر او را آب بگيرد، يا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود.

« 86 » اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، يا ديگری به زور سر او را در آب فرو برد؛ چنانچه در زير آب يادش بيايد که روزه است، يا آن شخص دست خود را بردارد، بايد فوراً سر را بيرون آورد و چنانچه بيرون نياورد، روزه‌اش باطل می‌شود.

**باقی ماندن بر جنابت، حيض و نفاس تا اذان صبح**

« 87 » اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، روزه‌اش باطل می‌شود. و کسی که وظيفه او تيمم است اگر عمداً تيمم ننمايد، روزه‌اش باطل است و حکم قضای روزه ماه رمضان بعداً خواهد آمد.

« 88 » اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معين است، تا اذان صبح غسل نکند و تيمّم هم ننمايد، ولی از روی عمد نباشد، مثل آنکه ديگری به اجبار نگذارد غسل و تيمم کند و ناچار شود، روزه‌اش صحيح است؛ ولی در صورت فراموش کردن، روزه ماه رمضان باطل است.

« 89 » کسی که جنب است و می‌خواهد روزه واجبی بگيرد که وقت آن معين است، مثل روزه رمضان، اگر عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، بايد با تيمم روزه بگيرد و روزه او بنا بر اظهر صحيح است.

« 90 » کسی که در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين ديگری، برای هيچ کدام از غسل و تيمم وقت ندارد، نبايد خود را جنب کند، و همچنين است بنا بر اظهر اگر فقط برای تيمم وقت دارد، و اگر معصيت کرد و خود را جنب نمود، روزه‌اش با تيمم بنا بر اظهر صحيح است.

« 91 » کسی که در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين، جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بيدار نمی‌شود، در صورتی که در نخوابيدن عسر و حرج برای او نباشد، نبايد بخوابد، مگر بعد از غسل؛ و چنانچه بخوابد و تا صبح بيدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

« 92 » هرگاه جنب در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين بخوابد و بيدار شود، اگر اطمينان به بيدار شدن پيش از اذان صبح برای غسل را ندارد، بايد نخوابد اگرچه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پيش از اذان صبح بيدار می‌شود.

« 93 » کسی که در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين جنب است و می‌داند يا اطمينان دارد که اگر بخوابد پيش از اذان صبح بيدار می‌شود، چنانچه تصميم داشته باشد که بعد از بيدار شدن غسل کند و با اين تصميم بخوابد و تا اذان خواب بماند، بايد روزه بگيرد و روزه‌اش صحيح می‌باشد.

« 94 » کسی که در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين جنب است و می‌داند يا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پيش از اذان صبح بيدار می‌شود، چنانچه نخواهد بعد از بيدار شدن غسل کند، يا ترديد داشته باشد که غسل کند يا نه، در صورتی که بخوابد و بيدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفّاره لازم است.

« 95 » اگر جنب در شب ماه رمضان يا روزه واجب معين بعد از جنب شدن خوابيد و بيدار شد، در صورتی که اطمينان دارد که اگر دو مرتبه بخوابد قبل از اذان صبح بيدار می‌شود خوابيدن دفعه دوم بر او حرام نيست، ولی خلاف احتياط است؛ و اگر دوباره خوابيد و بيدار نشد، بايد قضای آن را بگيرد و بنا بر احتياط واجب کفاره هم بدهد و اگر بيدار شد باز دفعه سوم خوابيد و تا اذان صبح بيدار نشد قضای آن روز را بايد بگيرد و وجوب کفّاره مطابق احتياط بلکه اقوی است.

« 96 » خوابی را که در آن محتلم شده خواب اول حساب نمی‌شود، بلکه اگر از آن خواب بيدار شود و دوباره بخوابد خواب اول حساب می‌شود.

« 97 » اگر روزه‌دار در روز محتلم شود، واجب نيست فوراً غسل کند.

« 98 » هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بيدار شود و ببيند محتلم شده، اگرچه بداند پيش از اذان بوده، روزه او صحيح است.

« 99 » کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگيرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، اگرچه از روی عمد نباشد بنا بر اظهر روزه او باطل است و در صورتی که وقت گرفتن روزه قضا طوری تنگ است که اگر روزه‌اش باطل باشد ديگر فرصتی برای گرفتن روزه قضا ندارد، احتمال دارد ملحق به روزه ماه رمضان باشد.

« 100 » اگر زن در ماه رمضان پيش از اذان صبح از حيض يا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، يا اگر وظيفه او تيمم است عمداً تيمم نکند، روزه‌اش باطل است و وجوب کفاره خالی از وجه نيست.

« 101 » اگر زن نزديک اذان صبح از حيض و نفاس پاک شود و برای هيچ کدام از غسل و تيمم وقت نداشته باشد، يا بعد از اذان بفهمد که پيش از اذان پاک شده، روزه او صحيح است.

« 102 » اگر زن بعد از اذان صبح از خون حيض يا نفاس پاک شود، يا در بين روز خون حيض يا نفاس ببيند، اگرچه نزديک مغرب باشد، روزه او باطل است.

« 103 » اگر زنی که در حال استحاضه است غسل‌های خود را به تفصيلی که در احکام استحاضه گفته شد به‌جا آورد، روزه او صحيح است، و بی‌وجه نيست که صحت روزه او مشروط به انجام غسلی باشد که بايد برای نماز صبح انجام دهد، ولی بنا بر اظهر غسل نمازهای مغرب و عشای شب گذشته و شب آينده در صحيح بودن روزه او شرط نيست، و بنا بر احتياط واجب مستحاضه متوسطه هم مثل کثيره، انجام غسلی که بر او واجب است در صحيح بودن روزه‌اش شرط است، ولی وضوی واجب بر مستحاضه قليله، شرط صحت روزه نيست.

« 104 » در تمام مواردی که غسل واجب است، اگر نتوانست غسل کند، وجوب تيمم خالی از وجه نيست، و بنا بر احتياط واجب بعد از تيمم بايد تا اذان صبح بيدار بماند.

**اِماله کردن**

« 105 » اماله کردن با چيز مايع، اگرچه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، بنا بر اظهر روزه را باطل می‌کند.

**قِی کردن**

« 106 » هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، اگرچه به‌واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً يا بی‌اختيار قی کند اشکال ندارد، ولی نبايد آن را عمداً فرو ببرد.

« 107 » اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، بايد خودداری نمايد.

« 108 » اگر يقين داشته باشد که به‌واسطه آروغ زدن، چيزی از گلو بيرون می‌آيد، نبايد عمداً آروغ بزند، ولی اگر يقين نداشته باشد اشکال ندارد.

« 109 » اگر آروغ بزند و بدون اختيار چيزی در گلو يا دهانش بيايد، بايد آن را بيرون بريزد و اگر بی‌اختيار فرو رود، روزه‌اش صحيح است. و در صورت فرو بردن عمدی، روزه‌اش باطل، و قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.

« 110 » اگر روزه‌دار با علم و عمد قصد انجام فعلی را بنمايد که روزه را باطل می‌کند، روزه اش باطل است، ولی کفاره ندارد.

**کفّاره روزه**

«١١١» کسی که روزه ماه مبارک رمضان بر او واجب است، اگر به عمد يا شبه عمد، روزه خود را باطل کند، بايد علاوه بر قضای آن، کفّاره بدهد مگر در مواردی که بعداً گفته خواهد شد.

«١١٢» کسی که کفّاره روزه رمضان بر او واجب است، بايد يک بنده آزاد کند، يا به دستوری که در مسئله بعد گفته می‌شود دو ماه روزه بگيرد، يا شصت فقير را سير کند يا به هر کدام يک مُد ـ که تقريباً ده سير است ـ طعام، يعنی گندم يا جو و مانند اينها بدهد، و دادن پول کافی نيست، ولی اگر فقير را در خريد و قبول آن وکيل کند و فقير نيز انجام دهد، کافی است.

«١١٣» کسی که می‌خواهد دو ماه روزه کفاره رمضان را بگيرد، بايد سی‌ويک روز آن را پی‌درپی بگيرد و اگر بقيه آن پی‌درپی نباشد اشکال ندارد، بنابراين کسی که می‌خواهد سی‌ويک روز پی‌درپی روزه بگيرد بايد زمانی را انتخاب کند که در بين اين سی‌ويک روز، روزی که روزه داشتن در آن حرام است، مثل عيد قربان، وجود نداشته باشد، و همچنين روزی نباشد که روزه آن بر او واجب باشد، مثل اينکه نذر کرده باشد، يا ماه مبارک رمضان پيش آيد.

«١١۴» اگر به چيز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن ذاتاً حرام باشد مثل شراب و زنا، يا به جهتی حرام شده باشد، مثل نزديکی با همسر در حال حيض، بنابر احتياط کفّاره جمع بر او واجب می‌شود، يعنی بايد يک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگيرد و شصت فقير را سير کند يا به هر کدام آنها يک مُد گندم يا جو يا نان و مانند اينها بدهد؛ و چنانچه هر سه برايش ممکن نباشد، هر کدام که ممکن است بايد انجام دهد.

«١١۵» اگر نذر کند که روز معينی را روزه بگيرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، بايد يک بنده آزاد نمايد يا دو ماه پی‌درپی روزه بگيرد يا به شصت فقير طعام دهد، ولی اگر نذر او مطلق باشد و روزی را برای آن روزه بگيرد، مانند روزه مستحبی می‌تواند در آن روز چه پيش از ظهر و چه بعد از ظهر افطار کند و در روز ديگری برای ادای نذرش روزه بگيرد.

«١١۶» کسی که قضای روزه ماه رمضان گرفته است، در صورت وسعت وقت پيش از ظهر می‌تواند افطار کند و آن قضا را در وقت ديگری انجام دهد، ولی افطار بعد از ظهر حرام است، و اگر بعد از ظهر افطار کند بايد کفاره بدهد و کفاره او اطعام ده فقير و در صورت عدم توانايی سه روز روزه گرفتن است.

«١١٧» کسی که می‌تواند وقت را تشخيص دهد، اگر به گفته کسی که می‌گويد مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

«١١٨» کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر برای فرار از کفاره به سفر برود، اگر چه پيش از ظهر باشد، کفاره از او ساقط نمی‌‌شود.

«١١٩» اگر يقين کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نيست.

«١٢٠» اگر انسان شک کند که آخر رمضان است يا اول شوال، و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نيست.

«١٢١» اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن خود که روزه‌دار است نزديکی کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را بايد بدهد، ولی اگر در اثناء، زن راضی شود، بنا بر احتياط واجب مرد دو کفاره بدهد و زن يک کفاره و اگر زن به نزديکی راضی بوده، بر هر کدام يک کفاره واجب می‌شود.

«١٢٢» اگر زنی شوهر روزه‌دار خود را مجبور کند که نزديکی نمايد يا کار ديگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، واجب نيست کفاره روزه شوهر را بدهد.

«١٢٣» کسی که به‌سبب مسافرت يا بيماری روزه نمی‌گيرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را مجبور به نزديکی کند.

«١٢۴» اگر کفاره واجب شود نبايد در به‌جا آوردن آن کوتاهی کرد، ولی لازم نيست فوراً آن را انجام داد.

«١٢۵» اگر کفاره واجب شود و چند سال آن را به‌جا نياورد، چيزی بر آن اضافه نمی‌شود.

**مواردى كه فقط قضاى روزه واجب است**

«١٢۶» غير از مواردى كه در مسائل گذشته بيان شد در چند صورت ديگر هم فقط قضاى روزه بر انسان واجب است و كفاره واجب نيست:

١. در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصيلى كه در مسائل قبلى گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بيدار نشود، ولى چنانكه گفته شد علاوه بر قضا، احتياط واجب نيز در دادن كفاره است.

٢. كسى كه مى‌تواند از صبح شدن مطلع شود، بدون تحقيق، كارى كه روزه را باطل مى‌كند انجام دهد و بعد معلوم شود كه صبح بوده است، ولى اگر چنين كسى تحقيق كرد و اطمينان پيدا كرد كه صبح نشده، ولى بعد معلوم شد كه صبح شده بود، قضا بر او واجب نيست.

٣. كسى كه قادر به تحقيق است، به قول كسى كه مى‌گويد صبح نشده، اعتماد كند، اگرچه از حرف او اطمينان پيدا كند كه شب است، و كارى كه روزه را باطل مى‌كند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است، و همچنين است اگر دو نفر عادل شهادت دهند صبح نشده و انسان يقين به شب بودن نداشته باشد، حتى اگر از حرف آنها اطمينان پيدا كند.

۴.  اين كه كسى بگويد صبح شده و انسان گمان كند شوخى مى‌كند يا دروغ مى‌گويد و چيزى بخورد بعد معلوم شود صبح بوده است، درحالى‌كه خودش به تنهايى مى‌توانست تحقيق كند.

۵. دو نفر عادل يا شخص موثقى بگويد كه مغرب شده است، و انسان از گفته آنان اطمينان پيدا كند و افطار نمايد، اما بعداً بفهمد مغرب نشده بود.

۶. انسان به خاطر تاريكى افطار كند، بعد بفهمد مغرب نبوده است، ولى بنابر احتياط واجب نيز در اين صورت بايد كفاره بدهد، ولى اگر به خاطر تاريكى اطمينان داشت مغرب شده و افطار كرد، بعد معلوم شد مغرب نبوده، كفاره ندارد، بلكه بنا بر اظهر قضا هم واجب نيست.

٧. كسى كه غسل جنابت را فراموش كند و روزه بگيرد، يا اينكه تمام روز را خواب باشد و نيّت روزه نكرده باشد، يا روزه گرفتن را فراموش كند.

٨. شخص نابينا يا زندانى بدون سؤال و تحقيق از صبح شدن، كارى كه روزه را باطل مى‌كند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

«١٢٧» اگر كسى عمداً قى كند روزه‌اش باطل است و قضا دارد، ولى كفاره واجب نيست و در صورت اماله كردن با چيز روان، بنا بر احتياط واجب، كفاره لازم است.

«١٢٨» مضمضه كردن، يعنى آب در دهان گردانيدن، براى روزه‌دار جايز است، حتى اگر براى غير وضو، مثل خنک شدن باشد، و بهتر است در غير وضو اين كار را انجام ندهد، و مستحب است بعد از مضمضه، سه مرتبه آب دهان را بيرون بريزد، ولى اگر براى غير وضوى واجب و غير مداوا مضمضه يا استنشاق كرد، و بدون اختيار آب در حلق او فرو رفت، بنا بر احتياط واجب بايد قضاى اين روزه را بگيرد.

«١٢٩» اگر روزه‌دار براى درمان غير ضرورى در بينى يا گوش دارو بريزد يا سرمه بكشد، اگر نداند كه دارو به حلق مى‌رسد، ولى اتفاقاً از اين مجارى به حلق رسيد و پائين رفت بنا بر احتياط واجب بايد قضاى روزه را بگيرد، اما اگر بداند كه به حلق مى‌رسد، بنا بر اظهر روزه باطل و قضاى آن واجب است.

«١٣٠» مسواک كردن براى روزه‌دار، مانند مضمضه جايز و بلكه مستحب است، ولى اگر مسواک را از دهان بيرون آورد و دوباره در دهان وارد كند، نگذارد آب آن داخل حلق شود، ولى اگر آب مسواک به‌قدرى كم باشد كه در آب دهان مستهلک مى‌شود، مانعى ندارد.

«١٣١» اگر در ماه رمضان، بعد از تحقيق يقين كند كه صبح نشده و كارى كه روزه را باطل مى‌كند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نيست.

«١٣٢» اگر انسان شک كند كه مغرب شده يا نه، نمى‌تواند افطار كند، ولى اگر شک كند كه صبح شده يا نه، پيش از تحقيق هم مى‌تواند كارى كه روزه را باطل مى‌كند انجام دهد.

**احكام روزه قضا**

« 133 » اگر ديوانه عاقل شود، واجب نيست روزه هاى زمانى را كه ديوانه بوده قضا نمايد.

« 134 » اگر كافر مسلمان شود، واجب نيست روزه هاى زمانى را كه كافر بوده قضا نمايد، ولى اگر مسلمانى كافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه هاى زمانى را كه كافر بوده بايد قضا نمايد.

« 135 » روزه اى كه از انسان به علّت مستى فوت شده، بايد قضا نمايد، اگر چه چيزى را كه به واسطه آن مست شده، براى معالجه خورده باشد.

« 136 » اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشه باشد، قضاى هر كدام را كه اول بگيرد مانعى ندارد. ولى اگر وقت قضاى رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضانِ گذشته قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان بعدى مانده باشد، بايد اول قضاى رمضانِ گذشته را بگيرد.

**حکام روزه مسافر**

«١٣٧» مسافر نمی‌تواند در سفر روزه بگيرد، مگر اينکه روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در اين صورت روزه گرفتن صحيح است، و بنا بر احتياط واجب روزه مستحبی را در سفر به نيت رجاء بايد گرفت، مگر در مدينه مشرفه که بنا بر روايت، مسافر می‌تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگيرد.

«١٣٨» مسافری که نماز چهار رکعتی او شکسته است، نمی‌تواند در سفر روزه بگيرد، ولی مسافری که نماز او تمام، يعنی چهار رکعتی است، بايد در حال سفر هم روزه‌اش را بگيرد، و تفصيل مسائل در[نماز مسافر](http://bahjat.ir/index.php/ahkam-2/resaleh/330-2011-09-07-02-42-59.html)گذشت

«١٣٩» اگر مسافر قبل از ظهر به سفر رود روزه‌اش باطل می‌شود، چه از شب نيت مسافرت داشته باشد يا نه، ولی احتياط مستحب اين است که اگر از شب قبل تصميم مسافرت نداشته، مسافرت نکند.

«١۴٠» اگر مسافر بعد از ظهر از مسافرت برگردد و ظهر آن روز در جايی که نماز تمام است نباشد، روزه آن روز باطل است، ولی اگر قبل از ظهر برگردد، در صورتی که افطار نکرده باشد، روزه آن روز بر او واجب می‌شود، بنابراين بايد نيت روزه بکند و روزه‌اش هم صحيح است.

«١۴١» اگر فراموش کند که مسافر است، يا فراموش کند که روزه مسافر باطل است و در سفر روزه بگيرد، روزه‌اش باطل است.

«١۴٢» اگر مسافر نداند که روزه در سفر صحيح نيست و روزه بگيرد روزه‌اش صحيح است.

**كسانى كه روزه بر آنها واجب نيست**

«١۴٣» اگر كسى مريض باشد به‌طورى‌كه بداند يا گمان كند روزه گرفتن براى او ضرر دارد، نبايد روزه بگيرد، و اگر روزه بگيرد روزه‌اش صحيح نيست، و در صورت خوف ضرر در صورتى كه خوف او عقلايى باشد، مى‌تواند روزه‌اش را افطار كند.

«١۴۴» كسى كه به علت پيرى نمى‌تواند روزه بگيرد يا براى او مشقت دارد، روزه بر او واجب نيست، و چنانچه تا رمضان بعد بتواند روزه بگيرد، اقوى وجوب قضاست، و در صورتى كه نتواند تا رمضان بعد روزه را قضا كند، واجب است براى هر روز، يک مُد طعام ـ كه تقريباً ده سير است ـ از گندم يا جو و مانند اينها صدقه دهد، و همچنين كسى كه توانايى قضاى روزه را داشته ولى به‌سبب ندانستن حكم، قضاى آن را تا رمضان بعد تأخير انداخته، بايد علاوه بر قضاى روزه به مقدارى كه گفته شد كفاره بدهد.

«١۴۵» بر پسر يا دخترى كه تازه بالغ شده‌اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نيست و كفاره هم ندارد، ولى قضا دارد.

«١۴۶» اگر انسان مرضى دارد كه زياد تشنه مى‌شود و نمى‌تواند تشنگى را تحمل كند، يا براى او مشقت دارد، روزه بر او واجب نيست، ولى اگر تا رمضان بعد بتواند روزه بگيرد واجب است قضاى آن را بگيرد، و در صورت عدم توانايى واجب است براى هر روز يک مُد طعام از گندم و جو و مانند اينها صدقه دهد.

«١۴٧» زنى كه زاييدن او نزديک است و روزه براى حملش يا خودش ضرر دارد، واجب است افطار نمايد و براى هر روز يک مُد طعام به فقير بدهد و در هر دو صورت روزه‌هايى را كه نگرفته، بعداً بايد قضا نمايد.

«١۴٨» زنى كه بچه شير مى‌دهد و شير او كم است، چه مادر بچه باشد يا دايه او، چه با اجرت شير بدهد يا بى‌اجرت، اگر روزه براى خودش يا بچه‌اى كه شير مى‌دهد ضرر داد، واجب است افطار كند و براى هر روز يک مُد طعام به فقير بدهد، و در هر دو صورت روزه‌هايى را كه نگرفته بعد از بر طرف شدن عذر، بايد قضا نمايد، و اگر كسى پيدا شود كه بى‌اجرت بچه را شير دهد، يا براى شير دادن بچه، از پدر يا مادر بچه يا از شخص ديگرى كه اجرت او را بدهد اجرت بگيرد، واجب است كه بچه را به او بدهد و روزه بگيرد.

**روزه حرام ـ روزه مستحب**

« 149 » روزه عيد فطر و قربان حرام است.

« 150 » بنا بر احتياط روزه مستحبى براى زن، بدون اذنِ شوهر صحيح نيست، چه منافات با حق شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد، و اگر شوهر به خاطر منافات با حقش ، زن را از روزه اى كه به نحوى بر خود واجب نموده منع كند، در صورتى كه وقت روزه وسعت دارد زن نبايد روزه بگيرد، ولى اگر وقت روزه تنگ شود اذن شوهر شرط نيست .

« 151 » بنا بر احتياط مستحب در صحيح بودن روزه مستحبى فرزند ، اذن پدر و مادر شرط است ، گرچه بنا بر اقوى همين كه موجب ناراحتى آنها نشود و يا نهى نكرده باشند روزه اش صحيح است

**« راه ثابت شدن اول ماه »**

    اول ماه به پنج طريق ثابت مى شود :

    اول : خود انسان ماه را ببيند.

    دوم : عده اى كه از گفته آنان يقين يا اطمينان پيدا مى شود، بگويند ماه را ديده ايم، و همچنين است هر چيز كه به واسطه آن يقين پيدا شود؛ و ممكن است از اين قبيل باشد، هنگامى كه ماه جديد به صورت طوق دار مشاهده شود، يعنى علاوه بر نيم دايره هلال كه كاملاً نورانى است ، نيمه ديگر آن كه تاريك است همراه با هاله اى از نور كم ديده شود، كه چنين حالتى مى تواند نشانه اين باشد كه روز گذشته روز اول ماه بوده و فردا روز دوم است . همچنين اگر به دليل ديده نشدن ماه در شب سى ام ماه گذشته بنا بر استصحاب حكم شود كه آن روز، روز سى ام است، اما در شب سيزدهم ماه آينده، ماه به صورت بدر كامل ديده شود، كه همين علامت ، مى تواند نشانه اين باشد كه آن شب در واقع شب چهاردهم ماه است و ماه گذشته بيست و نه روز بوده است.

    سوم : دو مرد عادل بگويند كه در شب ماه را ديده ايم يا اين كه يكى بگويد ماه را ديدم، و ديگرى بگويد سى روز قبل، ماه شعبان را ديدم، ولى اگر صفت ماه را بر خلاف يكديگر بگويند، يا شهادتشان خلاف واقع باشد مثل اين كه بگويند داخل دايره ماه طرف افق بود، اول ماه ثابت نمى شود.

    چهارم : سى روز از اول ماه شعبان بگذرد كه به واسطه آن، اول ماه رمضان ثابت مى شود و سى روز از اول رمضان بگذرد كه به واسطه آن، اول ماه شوال ثابت مى شود.

    پنجم : حاكم شرع حكم كند كه اول ماه است بنا بر اظهر .

  « 152 » اول ماه با پيشگويى منجّمين ثابت نمى شود، ولى اگر انسان از گفته آنان يقين يا اطمينان پيدا كند، بايد به آن عمل نمايد .

  « 153 » اگر اول ماه رمضان براى كسى ثابت نشود و روزه نگيرد. بعد ثابت شود كه شب پيش ماه را ديده اند، بايد روزه آن روز را قضا نمايد.

  « 154 » اگر در شهرى ماه ديده شد در صورتى براى ساكنين شهر ديگر مفيد است كه يقين يا اطمينان بكنند اگر در آسمان يا زمين مانعى نبود در آنجا هم ماه ديده مى شد، چه در شرق باشد يا در غرب، ولى اگر به اين مطلب يقين نداشته باشند نمى توانند به ديدن ماه در شهر ديگر اكتفا كنند .

  « 155 » اول ماه به تلگراف ثابت نمى شود، مگر اين كه انسان بداند تلگراف از راهى بوده كه شرعا معتبر است، مثلاً دو نفر شاهد عادل شهادت داده اند يا آنكه سبب اطمينان شود، اگر چه با ضميمه نشانه ها و امارات ديگر باشد .

  « 156 » روزى را كه انسان نمى داند آخر رمضان است يا اول شوال، بايد روزه بگيرد ولى اگر تا پيش از مغرب بفهمد كه اول شوال است بايد افطار كند .

**منبع : مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت** bahjat.org